



دکتر ولایتی

آرمان مرحوم شقایی، فلسطینی - اسلامی بود...

گفتگوی شاهد یاران، با دکتر ولایتی

دکتر علی اکبر ولایتی قریب دو دهه مسئولیت وزارت امور خارجه کشورمان را برعهده داشته است. در آن دوره، خاورمیانه شاهد تحولات گسترده و بنیادینی همچون حمله‌های مکرر ارتش اسرائیل به لبنان، گفتگوهای صلح خاورمیانه، تولد سازمان‌های مبارز در منطقه با ایده‌های اسلامی همچون حزب‌الله در لبنان، جنبش‌های جهاد اسلامی و حماس در فلسطین بوده است. به‌منظور بررسی ریشه این تحولات و تبیین نقش شهید شقایی پای صحبت‌های ایشان نشستیم.

بود و معروف به نبرد کرامه است که در آن ۱۲۰۰۰ اسرائیلی و ۵۰۰ نفر فلسطینی بود که به شکست اسرائیلی‌ها منجر شد. توطئه‌ای صورت گرفت که عملاً اردن عامل اجرای آن شد. در سال ۱۹۷۰ معروف به سپتامبر سیاه تعداد زیادی از فلسطینی‌ها را از اردن بیرون کردند و قتل عامی در بین آنها شد.

گفته می‌شود جمال عبدالناصر به خاطر فشار روحی که از سپتامبر سیاه به او وارد شده بود در فاصله کوتاهی از آن، سکنه فوت کرد. کم‌کم سازمان آزادی بخش فلسطین را به سازش کشیدند. دایماً به آنها وعده می‌دادند که آقای عرفات با شاخه زیتون به سازمان ملل متحد رفت و از آن پس عقب نشینی در مقابل حقوق فلسطینی‌ها شروع شد. وقتی انقلاب اسلامی در ایران رخ داد عملاً موجی از بیداری اسلامی در همه جهان اسلام از جمله فلسطین ایجاد کرد و مردم فلسطین به خاطر تبعیت از روش‌های غربی و شرقی یعنی چپ و راست سرخوردگی پیدا کرده بودند. آنها می‌خواستند با کارهای سیاسی در صحنه بین‌المللی، فلسطین را آزاد کنند. این یک روش غرب پسند بود. زمان حکومت رضاشاه بود که از طرف او سید ضیاءالدین طباطبایی به خودش عامل انگلیس بود و توسط آنها به فلسطین رفته و بعد از حکومت معروف به باد سیاه ۹۰ روزه، دلالتی می‌کرد و زمین‌های مسلمانان را به اسرائیلی‌ها می‌فروخت، مأمور شرکت در این کنفرانس شد. سید ضیاءالدین نماینده حکومت رضاشاه برای کمک شده بود و این روش غربی و شکست خورده بود، روش شرقی یعنی اصلاً خود گروه‌های چریکی که تشکیل شده نام آرمان و نحوه مبارزاتش کاملاً الگو گرفته از روش‌های چپ بود. مثل جبهه خلق برای آزادی فلسطین به ریاست حبش که از مسیحیان فلسطین بود. جبهه دموکراتیک به ریاست مسیحی دیگری و مخلوطی با جبهه عرفات که خودش عضو اخوان بود و زمانی گفته بود که من تحت تأثیر سخنان مرحوم نواب صفوی قرار گرفته‌ام، اما این‌ها همه به‌رحال یک جبهه چپ بود و به تدریج استحالته‌ای پیدا کرده بود که از مبارزات نظامی به مبارزات سیاسی و مذاکره روی آورد که همه این‌ها شکست خورده، به جایی نرسید و قدم به قدم عرصه را به اسرائیل واگذار می‌کرد.

در واقع به نحوی وابسته به رژیم‌های عرب شده بود؟ عملاً بعداً همین طور شد. یعنی رژیم‌های عرب کمک‌هایشان به سازمان آزادی بخش فلسطینی را مشروط به این کرده بودند که آنها راه سیاسی، سازش و گفتگویی که آمریکایی‌ها، غربی‌ها و اسرائیلی‌ها توصیه می‌کنند، پیش بگیرند که این شیوه هیچ حقی برای آنها تثبیت نمی‌کرد. این سرخوردگی که آن جا پیدا شد و از طرفی هم پیروزی جمهوری اسلامی نشان می‌داد که اگر به اسلام رو کنند و طرفدار مبارزات اسلامی سازش نپذیرد مثل ایران باشند می‌توانند پیروز شوند. خاطر هست که یک بار مرحوم شقایی به

دنیا به فلسطین کوچ دادند. این قضیه ادامه داشت تا جنگ جهانی دوم که بعد از اتمام آن فرصت پیدا کردند که سال ۱۹۴۸ رسماً با مصوبه‌ای در سازمان ملل متحد، فلسطین را به دو بخش تقسیم کنند. که یک بخش آن را به فلسطینی‌ها دادند. قبل از این تقسیم، مبارزات به شکل سیاسی و نظامی آغاز شده بود و اشخاصی مثل مرحوم حاج امین الحسینی مفتی بیت المقدس، دعوت عامی از رؤسای کشورهای اسلامی کرده بود، برای این که جلسه‌ای در رابطه با فلسطین داشته باشند و با همکاری آنان از اشغال فلسطین جلوگیری شود. این در حوزه سیاسی بود. اما در حوزه نظامی مرحوم عزالدین قسام عده‌ای از مجاهدین را برای مبارزه با اشغالگران بسیج کرد. این رشته مبارزات سیاسی، نظامی و چریکی تا زمان ما ادامه داشت و در دوره‌های مختلف اشکال گوناگونی از مبارزات آزمایشی شد. چهار جنگ بزرگ در سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۵۶-۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ بین عرب و اسرائیل اتفاق افتاد. در این فاصله سازمان آزادی بخش فلسطین به ریاست احمد شقیری تأسیس شد. در بین فلسطینی‌ها در فاصله بین سال‌های ۶۷ تا ۵۶ سازمان الفتح تشکیل شد که این سازمان ارتباطی با اخوان المسلمین داشت. اما بعداً سه سازمان، گروه فتح به ریاست یاسر عرفات، جبهه خلق

شهادت شهید شقایی

گفته می‌شود جمال عبدالناصر به خاطر فشار روحی که از سپتامبر سیاه به او وارد شده بود در فاصله کوتاهی از آن، سکنه و فوت کرد. کم‌کم سازمان آزادی بخش فلسطین را به سازش کشیدند. دایماً به آنها وعده می‌دادند که آقای عرفات با شاخه زیتون به سازمان ملل متحد رفت و از آن پس عقب نشینی در مقابل حقوق فلسطینی‌ها شروع شد.

برای آزادی فلسطین و جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین را ساخت که بنای اولیه آنها بر تحرک سیاسی، مبارزه چریکی و نظامی بود و در کشورهای همسایه مثل اردن، سوریه، عراق و مصر مستقر بودند. تا سال ۱۹۶۷ که سومین جنگ هم رخ داد و به شکست اعراب منجر شد. فشار برای در هم شکستن سازمان آزادی بخش فلسطین توسط غربی‌ها، اسرائیلی‌ها و متحدان آشکار و پنهان آنها در جهان عرب زیاد شد. بعد از جنگ ۱۹۶۷ یک بار اسرائیلی‌ها به غرب اردن حمله کردند. از رودخانه اردن عبور کرده و وارد شرق آن جا شدند که محل استقرار نیروهای فلسطینی

آقای دکتر ولایتی، استحضار دارید که سه دهه اخیر در تاریخ سرزمین فلسطین مملو از وقایع و تحولاتی است که تنوع و سرعت وقوع آنها، وضعیت متفاوتی را پیش روی ما می‌گذارد. از همین رو آنچه که حضرتعالی در دوران مسئولیت وزارت در امور خارجه از نزدیک با آن مواجه بودید، حاوی نکات ارزشمندی است که جا دارد در این فرصتی که در اختیار ما گذاشته‌اید، که جای تقدیر و تشکر هم دارد، آنها را از زبان خود شما بشنویم. همان طور که می‌دانید مرحوم شقایی از چهره‌های منور تاریخ مبارزات فلسطینی است و نقش ایشان در ایجاد تحول در مسیر مبارزه فلسطین انکارناپذیر است. اگر خواهیم به اهمیت او در تاریخ تحولات معاصر فلسطینی پی ببریم، حتماً باید مروری بر کل تاریخ این مبارزات داشته باشیم، تا بتوانیم روی این نکته تکیه کنیم که وجود ایشان نقطه عطفی در مبارزات بود.

کمی از تاریخچه اشغال سرزمین فلسطین توسط صهیونیست‌ها، طرح و توطئه استعمار انگلیس نسبت به قلب جهان اسلام مطلع هستیم. مرور بسیار فشرده و کوتاهی بر تاریخ فلسطین به ما می‌گوید که اولاً آن یکی از نقاط استثنایی در جهان است که سرنوشته ادیان بزرگ ابراهیمی آن جا به هم گره خورده و برای هر سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهود بسیار اهمیت دارد. بر همین اساس می‌بینیم عاملی که سبب تحمیل هشت جنگ صلیبی توسط مهاجمان صلیبی شد، همین سرزمین است. یعنی برای اشغال فلسطین جنگ‌های صلیبی به راه افتاد که تقریباً ۱۸۷ سال طول کشید. البته بعد از سال‌های طولانی مبارزه، مسلمان‌ها توانستند مجدداً فلسطین را به آغوش اسلام برگردانند. در عصر جدید، از زمان امپراطوری عثمانی صهیونیست‌ها دنبال این بودند که این سرزمین مقدس مسلمانان را اشغال کنند. حتی پیشنهاد خرید فلسطین را به مسلمین دادند که سلطان عثمانی گفت: ما ندیدیم که کسی زنده‌ای را در حالی که هنوز زنده است کالبد شکافی کند یعنی امپراطور عثمانی هنوز سرپاست و فلسطین هم هنوز تحت نظر اوست که چنین پیشنهادی را می‌دهند. در جنگ دوم جهانی بعد از شکست امپراطوری عثمانی قلمرو امپراطوری توسط استعمارگران تقسیم شد و بر اساس قرار دادی که در سال ۱۹۱۶ زمانی که هنوز جنگ تمام نشده بود، محرمانه بین انگلیس و فرانسه بسته شد، سرنوشته خاورمیانه را بین خودشان رقم زدند که فلسطین سهم انگلیس شده بود.

در سال ۱۹۱۷ وزیر خارجه انگلیس گفت ما برای یهودیان جهان در فلسطین سرزمینی را در نظر می‌گیریم. در سال ۱۹۱۸ جنگ تمام شد. آنها در طول جنگ در طراحی‌هایی که کردند برای فلسطین چنین خواب و حشمتی را دیده بودند. بعد از تأسیس جامعه ملل که قبل از سازمان ملل وجود داشت و تحت قیمومیت انگلیسی‌ها بود، آنها نهایت سوء استفاده را کردند و تمام یهودیان را از سراسر



از او هیچ یک از علمای شیعه و سنی چنین کار قاطعی نکرده بودند. البته بعداً علمای اسلام چه سنی و چه شیعه چنین فتوایی دادند. مرحوم طالقانی از کسانی بود که در سال های دهه بیست، همت خود را بر روی مسأله فلسطین گذاشته بود. نواب صفوی به منطقه فلسطین، شامات و مصر برای دعوت مسلمانان به قیام علیه اشغالگران سفر می کرد و سرآمد همه این ها کار امام بود که از همان سال های اولیه انقلاب در دهه شصت میلادی در اعلامیه های فرمود: من نسبت به خطر اسرائیل هشدار می دهم که در آن زمان خیلی مهم بود. کسی در سطح امام یک مرد بزرگ شیعه که پرچم انقلاب را به دست داشت، اولین اخطار هایش درباره خطر اسرائیل بود. بدون تردید کاری که او در پایه گذاری انقلاب اسلامی کرد باعث شد که مردم ما به این امر توجه کنند که اگر نخواهند سرنوشت خودشان را از شر سلسله پهلوی نجات دهند باید نسبت به سرنوشت کل جهان اسلام بی اعتنا نباشند. سرنوشت ایران با سرنوشت کل مسلمانان وابستگی کامل دارد. به همین خاطر به همه مسلمانان از جمله مسلمانان ایران راجع به خطر اسرائیل هشدار دادند. بعداً معلوم شد که حق با امام بود. سفارت اسرائیل در ایران که اسم سفارت را نداشت ولی از هر سفارتی متنفرتر بود، چه کارهایی در جهت توسعه نفوذ اسرائیل در کشور ما می کرد. دولت ساعد مراقبه ای در زمان حکومت محمدرضا شاه، معروف بود که آن زمان صد هزار دلار رشوه گرفته است تا اسرائیل را به رسمیت بشناسد که در زمان حکومت دکتر مصدق و با تالاشی با بزرگانی مثل آیت الله کاشانی کردند. این به رسمیت شناختن پس گرفته شد. اما بعد از کودتای بیست و هشت مرداد دوباره دولت شاه به منسبیری افتاد که ظاهر اسرائیل را به رسمیت نشناخته بودند اما اسرائیل بر همه ارکان کشور ما نفوذ داشت.

نقش شهید دکتر شقافی را در این تحول تاریخی چگونه می بینید؟ آقای دکتر شقافی از شخصیت هایی بود که من نظیر ایشان را در بین بزرگان صحنه مبارزه جهان اسلام کم می دیدم. انسان متین، خویشتن دار، متقی و پایبند به میثاق اسلامی، رسته اش هم یک پزشکی بود. به دلیل این که من هم رشته ام پزشکی بود، یک احساس علقه یعنی یک نوع کشش صنفی غیر از اخوت اسلامی هم بین ما بود. ایشان نسبت به کار مهمی که داشت و آن هم رهبری جوانان اسلامی با خط مشی اسلامی و بازرگاندن و تقویت هویت

شهر شهید فتحی شقافی

مدعی صهیونیست ها قبل از اشغال، این بود که سرزمین بین فرات تا نیل یعنی بخش مهمی از مصر، تمام بین النهرین شامل سوریه، عراق، فلسطین، شمال عربستان و اردن را تصرف می کنیم. موشه دایان بعد از جنگ ۱۹۶۷ در مصاحبه اش گفت: ما در آینده سراغ خیبر و فدک می رویم که در گذشته از آن یهودیان بود و در صدر اسلام توسط مسلمانان از دست یهودیان خارج شد.

ایران آمده بود و در جلسه ای که عده ای از مسئولین بلند پایه کشور شرکت داشتند بنده هم به عنوان وزیر امور خارجه بودم، از زمانی که در زندان اسرائیل تحت تأثیر گفته ها و سخنرانی های امام بود تعریف می کرد. مسیر انقلابی امام الگویی برای شکل دهی به سازمان جهاد اسلامی او قرار گرفت. این را یک شب به صورت مفصل در جلسه ای در سال های دهه شصت و زمان حیات امام گفت. از تعریفی که می کرد کاملاً معلوم بود که سازمان جهاد اسلامی را تحت تأثیر حرکت امام و انقلاب تشکیل داده است. **همانگونه که جنابعالی توضیح دادید، استعمار پیر برنامه ای گسترده و درازمدت برای فلسطین طراحی کرده بود. از نظر شما آیا اهداف آنها طبق برنامه ها پیش می رفت؟**

یک تحلیلی هست که بر اساس آن این طور می توان جمع بندی و نتیجه گیری کرد که کشورهای غربی قبل از شکست امپراطوری عثمانی، جنگ جهانی اول و این که بعد از آن کاری کنند که کشورهای اسلامی بزرگ و یک پارچه متحدی مثل عثمانی شکل نگیرد، را طراحی کرده بودند. از تجزیه امپراطوری عثمانی نزدیک به ۳۰ کشور به وجود آمد. کشورهای عربی تقریباً به طور کامل جزو قلمرو عثمانی تا تحت نفوذ آن بودند. برخی از کشورهای اروپای شرقی و بالکان مدت بیش از چهارصد سال و برخی از کشورهای دریای سیاه تحت حاکمیت امپراطوری عثمانی بودند. برای این که روزی کشورهای اسلامی تجزیه شده به هم پیوند نخوردن لازم بود که آنها در قلب جهان اسلام یک استخوان لای زخمی بگذارند و آن هم سرزمین فلسطین بود. نکته دیگر این که فلسطین به لحاظ موقعیت دینی یک مرکزیت برای ادیان بزرگ ابراهیمی دارد و هر کس آنجا مسافرت یا تفریح می تواند در بین پیروان ادیان مختلفی که به نوعی بیت المقدس برایشان یک شهر مقدس و زیارتگاه و مرکز توجهات معنوی و روحانی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان است، اعمال نفوذ کند. پس باید تحت نفوذ دولتی باشد که این دولت دست پرورده و دست نشانده کشورهای بزرگ استعماری غرب است. نکته بعد این است که اگر به نقشه نگاه کنیم می بینیم که فلسطین در محل تلاقی سه قاره بزرگ عالم یعنی آسیا و اقیانوسیه (که می توان این دو را یک قاره به حساب آورد)، اروپا و آفریقا است. مدعی صهیونیست ها قبل از اشغال، این بود که سرزمین بین فرات تا نیل یعنی بخش مهمی از مصر، تمام بین النهرین شامل سوریه، عراق، فلسطین، شمال عربستان و اردن را تصرف می کنیم. موشه دایان بعد از جنگ ۱۹۶۷ در مصاحبه اش گفت: ما در آینده سراغ خیبر و فدک می رویم که در گذشته از آن یهودیان بود و در صدر اسلام توسط مسلمانان از دست یهودیان خارج شد. یعنی حتی خواب تسلط بر حرمین شریفین را هم می دیدند. شما چنین جایی را در دنیا پیدا نمی کنید که تا این حد خصوصیت و ویژگی جغرافیایی سیاسی یا ژئوپولیتیکی مهمی داشته باشد. زمانی گفته می شد که برای یهودیان دنیا، آژانتین در نظر گرفته شده و موقعی هم صحبت از اوگاندای بود. ولی به نظر من این ها فریب و اساسش همان فلسطین بود. اروپاییان می خواستند که با این کار دو رقیب بالقوه شان، مسلمانان و یهودیان را از اروپای مسیحی یا غرب مسیحی خارج کنند. برخی می پرسند آیا یهودیان، اروپاییان را وارد کردند فلسطین را به آنها بدهند یا این که اروپاییان با این کار یعنی تأسیس صهیونیست در بین یهود آنها را هم بازی دادند که به نظر می رسد اگر نتوانیم به نفع یک گروه از این دو نظریه موضعی بگیریم باید بگوییم که جمع بین این دو دیدگاه را می توان داشت.

بنابراین روندی که سالها به شکلی مشخص پیش می رفت دستخوش تغییر شد. آیا عمق این تحولات به گونه ای بود که تغییری در ماهیت مبارزه ایجاد کند؟

همین طور است. یعنی علت اساسی که اسرائیل دست از شعار از نیل تا فرات برداشت، تغییر استراتژی مبارزه در فلسطین و ایجاد تحول انقلابی در حوزه آرمانی فلسطین و این بود که آرمان هایشان رنگ اسلام و میثاق اسلامی گرفت. قبلاً در دوره های دهه های ۶۰-۵۰ و نیمه اول دهه هفتاد قرن بیست میلادی یعنی مدت ربع قرن رنگ غربی یا شرقی داشت. رنگ اسلامی اولیه اش را کسانی مثل مرحوم عزالدین قسام یا کاشف الغطاء داده بودند که بزرگ ترین عالمی بود که در تاریخ مبارزات فلسطین فرمان جهاد داد، تا قبل

اسلامی به جامعه فلسطین به خصوص جوانان بود، احساس مسئولیت می کرد. نظر به این که هم آدم تحصیل کرده ای بود و هم در تجربه و دانش آموزشی در علوم، سابقه بسیار درخشان مبارزات ضد صهیونیستی و حرفی برای زدن در صحنه فلسطین داشت، خیلی زود مورد اقبال جامعه فلسطین قرار گرفت. آدم احساس می کرد که این شخص واقعاً برای رضای خدا و برای نجات فلسطین به عنوان پاره ای از سرزمین بزرگ اسلامی قدم به صحنه گذاشته، یعنی آرمانش فقط ناسیونالیستی - فلسطینی نبود. بلکه فلسطینی - اسلامی بود و چون چنین ویژگی داشت نسبت به سرنوشت کل مسلمانان ها احساس بود و در پیوند مبارزات فلسطینی به جهان اسلام برخلاف اسلاف خودش که می خواستند به جهان عرب پیوند دهند، اهتمام جدی داشت. چون این یک وسوسه ای بود که توسط کسانی که خواهان مبارزات فلسطین نبودند مطرح شد، برخی افراد بی توجه در جریان عرب هم به آن دامن می زدند که موضوع فلسطین یک موضوع عربی است و این باعث خطرات زیادی شده بود. مسلمانان غیر عرب که تعدادشان به مراتب بیش از مسلمانان عرب است را عملاً از رده می کرد و وسیله ای بود برای این که آنها را صحنه مبارزات فلسطین دور شوند. همین در داخل ایران در زمان رژیم شاه پهلوی این شد که آنها بی که تحت تبلیغات رژیم پهلوی بودند می گفتند: موضوع فلسطین به ما چه ربطی دارد؟ این دعوائی است بین اعراب و اسرائیل. ما هم که عرب نیستیم؛ این نزاع بین فلسطینی ها و اسرائیلی ها نزاعی تاریخی بین دو قومی است که پسر عمو هستند، یعنی دو شاخه از نژاد سامی که یک گروه فرزندان اسماعیلان که اعرابند و یک گروه دیگر فرزندان اسحاق که یهود هستند، اسماعیلان از قدیم با هم مشکل داشتند. یعنی یک برداشت و تحلیل انحرافی از قضیه فلسطین که از آن نتیجه گیری می شد که موضوع فلسطین، موضوع ایرانی هان نیست. عین همین تحلیل را لابد در ترکیه، هند، آسیای جنوب شرقی و هر جا که مسلمانان غیر عرب هستند، می کردند.

آنها عملاً امپراطوری عثمانی و کشورهای بزرگ اشغال و تجزیه کردند. زمانی کل شبه قاره هند، امپراطوری عثمانی، صفوی و ماوراءالنهر مسلمان بودند، نه تنها این ها را تجزیه جغرافیایی کردند، بلکه سعی داشتند تجزیه فرهنگی و سیاسی هم بکنند. فتحی شقافی یکی از کسانی بود که تعیین کرد که موضوع فلسطین یک موضوع اسلامی است همان طور که امام فرمود: روز قدس روز فلسطین است. آنچه که از فرمایشات جنابعالی مستفاد می شود این است که استراتژی جدید اتخاذ شده در مبارزات مردم فلسطین، دشمن صهیونیستی را مجبور به تغییرات جدی در استراتژی خود کرد که به نوعی عقب نشینی تلقی می شود. آیا روشی که رژیم اشغالگر در شهادت رهبرانی همچون شهید شقافی اتخاذ کرده است، می تواند به خاموش شدن این شعله در منطقه و جهان اسلام بیانجامد؟

زمانی که مرحوم مطهری به شهادت رسید امام صحبتی کرد که ظاهر ساده ای داشت اما گویای یک واقعیت بود گفت ما را کشید ملت ما بیدارتر می شوند؛ یعنی مطهری یکی از ما بود که او را شهید کردید و گمان بردید که با شهید شدن او این نهضت دچار شکست می شود. حالا این تعبیر امام را باید در باره مرحوم شقافی گفت. ترور او توسط عوامل اسرائیلی در سفری که بین لیبی و مالت داشت، موجب ضعف در نهضت فلسطین نشد، بلکه برعکس آن را تقویت کرد. ما بعد از آن شاهد انتفاضه مسجد الاقصی و بعد، آزادی غزه شدیم. امروز تفاوتی که با زمان های گذشته دارد این است که زمانی اسرائیل در حوزه تهجمی بود و می خواست از نیل تا فرات را اشغال کند. اما اکنون در حوزه تدافعی است تعبیر شما درست بود، زمانی می خواست بقیه جهان اسلام را تصرف کند. حالا این دیوار حایل که کشیدند بیش از آن که موجب محدودیت فلسطینی ها شود، موجب حصری شدن خود اسرائیلی ها شده است. خودشان را در پشت دیوارهای بلند مخفی کردند تا از تیررس فلسطینی ها دور باشند. به هر حال شهادت دکتر شقافی نه تنها موجب تضعیف جنبش جهاد اسلامی، حماس و دیگرانی که در صحنه فلسطین مبارزه می کنند نشد، بلکه خون آن شهید بزرگ به تقویت مبارزه فلسطینی ها هم انجامید. ■